

## نگاهی بر الگوی رشد و تولید ملی در چین

در دنیای امروز کانونهای قدرت و ثروت متعددی وجود دارند که در تعامل و رقابت با یکدیگر هستند. حضور در رخدادهای جهانی و گریز از حاشیه نشینی ایجاب می‌نمایند که همه کشورهای از جمله ایران، با عبور از تنگناها و با تکیه بر دیپلماسی اقتصادی کارآمد، تلاشهای سیاسی و اقتصادی مؤثری برای پیشبرد اهداف خود داشته باشند.

شاید امروزه بدلیل روند تحریم های خارجی، جذب مدیریت، تجربه و سرمایه‌های خارجی، انتقال تکنولوژی، صدور خدمات و گسترش تجارت با همسایگان از اولویت بالایی در مناسبات سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی برخوردار باشد. اما توجه به این نکته اساسی خالی از فایده نیست که علیرغم فشارهای سیاسی و تحریم های تحمیلی، مزیت‌های جمهوری اسلامی در بخش انرژی، نفت و گاز و ترانزیت سرزمینی، برای بسیاری از کشورها و صاحبان سرمایه، بازرگانان و صاحبان بنگاه‌های اقتصادی وسوسه انگیز است.

الگوی ژئوکانومیک جهان و وجود سه بلوک اقتصادی در حاشیه اقیانوس آرام و آسیا، قاره آمریکا و قاره اروپا نشان می‌دهد که هر سه بلوک اقتصادی از نظر « انرژی و سوخت » نیازمند خاورمیانه و خلیج‌فارس و از جمله ایران هستند.

آنچه مسلم می‌نماید این است که کانونهای اقتصادی و بنگاه های تجاری جهان ناچار به تعامل با کشورهای صاحب انرژی و کانون‌های قدرتمند خاورمیانه هستند تا از مزیت‌های اقتصادی و تجاری آنها بهره‌گیری نمایند. ایران، در این میان باید تلاش نماید که با تکیه بر مزیت‌های اقتصادی خود، دسترسی به بازارهای منطقه ای و فرصت‌های تجاری، تقویت اقتصاد ملی را همپای با جذب فناوری و سرمایه‌های خارجی در کانون توجه قرار دهد.

از آنجایی که اقتصاد ملی از دو مسیر تجارت و تولید با اقتصاد جهانی مرتبط می‌شود، بر دولت و بنگاه‌های جویای کسب و کار فرض است که قوانین و مقررات ضروری برای ایجاد تسهیلات بیشتر در این مسیر را سرلوحه کار خود قرار دهند تا باهدف تقویت تولید ملی، با اقتصاد جهانی تعامل سازنده‌ای داشته باشند. با توجه به اهمیت بخش انرژی و مزیت رقابتی بالای گذرگاهی در ایران و نیز محوریت این بخش در ارتباط با جهان خارج و جذابیت بازار ایران برای بسیاری از کشورها، ایجاد یک ساختار اعتماد آفرین در بنیان‌های سیاست خارجی که در برگیرنده منافع پایه‌ای کشور باشد، ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد.

اما سؤال اصلی این است که توسعه ایران و تقویت کار و سرمایه ایرانی در راستای شعار سال تولید ملی چگونه و با چه ویژگی‌هایی باید دنبال شود؟

آیا ایران قادر است از تجربیات، دستاوردها و آموزه‌های سایر ملل جهان درسهای ارزشمندی بیاموزد یا خیر؟ بدیهی است در هرکشوری « راه توسعه » و رسیدن به « آرزوهای ملی»، با عبور از تنگناهای فراوان و توجه به بسترها، ارزشها و داشته‌های بومی و ملی ممکن و مقدور است. بر این اساس شاید نتوان گفت که الگوی سایر کشورها در مدار توسعه ایران قابل پیاده سازی یا کپی برداری است، اما بهره‌گیری از تجربه‌های آن کشورها، مرور اشتباهات و انحرافات آنها و نگرش جامع برداشته‌ها و مقدرات و شیوه‌های موفقیت سایر ملتها می‌تواند درسهایی آموزنده‌ای برای مسیر توسعه پرفراز و نشیب ایران باشد. بر همین اساس، مطالعه اجمالی روند « رشد اقتصادی » و دستاوردهای سه دهه گذشته جمهوری خلق چین می‌تواند « تجربه‌ای آزمون شده » برای تخفیف خطاهای احتمالی و وسیله‌ای برای عبور از تهدیدها و ربایش فرصت‌های ایران اسلامی تلقی گردد. پس از انقلاب 1949 در چین و حاکمیت کمونیست‌ها بر این کشور و با عبور از سالهای نخستین انقلاب، همواره دو جناح قدرت در حزب کمونیست چین ظرفیت‌های ملی را به صورت مشارکتی اداره کرده و در کادر رهبری این کشور به بحث‌های جدی پرداخته‌اند.

در یکی دو دهه نخست انقلاب، این مباحث تحت تأثیر مائو و یاران او از رنگ و بوی چندانی برخوردار نبود، اما همواره سؤالاتی نظیر پرسش‌های زیر در میان نخبگان و کادرهای حزبی جریان داشت:

- آیا اقتصاد دولتی و گسترش بدنه دولت به نفع مردم چین است؟

- عنصر ناکارآمدی در بدنه دولت را چه باید کرد؟

- تورم نیروی انسانی در اقتصاد دولتی به کجا خواهد انجامید؟

- چرا بهروری در اقتصاد چین پائین است؟

- چگونه باید فناوری سنتی و فرسوده چین را با تکنولوژی و مدیریت روز آمد اصلاح کرد؟

- مدیریت، سرمایه، اطلاعات و توانایی‌های چینی‌های ماوراء بحار و سایر ملتها را چگونه می‌توان به کشور چین متصل نمود؟ ماجرا از دهه 80 و با قدرت‌گیری بیشتر جناح عملگرا و اصلاح‌گر وارد مدار جدیدی شد و تفکر عمل‌گرایانه شعار و گفتمان غالب جامعه گردید.

این شعارها عبارت بودند از:

1- ساختن چین بزرگ ، مرفه و پیشرو و وظیفه‌های همگانی است .

2- رفاه عمومی و توسعه وظیفه حزب و دولتمردان است .

3- همه قشرهای اجتماعی با رهبریت حزب باید در سیاست درهای باز و تولید ملی مشارکت نمایند .

4- دوستی با سایر کشورها و حل و فصل مسایل با همسایگان سرلوحه حرکت ملی خواهد بود .

5- عقلانیت جمعی و استفاده از همه توانها در تصمیم سازی برای همگانی کردن فرهنگ توسعه ضروری است .

6- تولید انبوه با حداقل هزینه و قیمت ارزان و تصرف بازارهای گوناگون منطقه ای هدف بخش‌های تولیدی و تجاری خواهد بود .

چین در سه دهه گذشته ، با بهره‌گیری مناسب از فضای بین المللی و رقابت ابر قدرت‌های آن دوران ، امکانات منطقه ای را در اختیار اقتصاد فرسوده خود قرار داد و با استفاده از کاتالیزوری مناسب به نام « چینی‌های ماوراء بحار » ، استراتژی توسعه اقتصادی و ارتقاء موقعیت بین‌المللی خود را پی گرفت .

بنابراین، روشن است که برگزیدن سیاست‌های هدفمند و برنامه‌ریزی شده در حوزه‌های علوم ، فناوری، تحقیقات و تجارت ، شرایط رو به رشد و پیشرفت چین را فراهم ساخت و نقطه عطفی در گذار چین از « دوران فشار و تحریم » به دوران « انفتاح تجاری و تولیدی » بود .

واقع‌گرایی، خطر پذیری و بی‌باکی و اراده عبور از فشارهای اقتصادی، سه عامل اصلی برای گذار چین از قطعه ( 79-49 ) بود که به « دوره اول چین » مشهور است و ژانویه 1979 در تاریخ چین نقطه عطفی تاریخ ساز محسوب می‌شود و قراردادهای همکاری علمی و فنی با تکیه بر توسعه تعاملی، پیوندهای نوینی برای انتقال تجارب علمی جهان به چین فراهم کرد . در این مرحله صدها هزار چینی در قالب تیم‌های آموزشی و کاری و تحصیلی به خارج رفتند و سلسله‌ای از دانشمندان و مدیران و مهندسان نو اندیش چینی پدیدار شد .

از نظر اجرایی، در فاصله سالهای 84 تا 95 میلادی مناطق ویژه اقتصادی و پارکهای فناوری دنبال و طرح‌های ویژه‌ای به اجرا گذارده شد .

مهمترین برنامه‌هایی که فرهنگ رشد و توسعه و تکیه بر تولید ملی و کار با چینی‌های مقيم خارج بود را می‌توان در برنامه‌های زیر مشاهده کرد:

#### 1 - برنامه مشعل :

( High Tech ) یکی از طرح‌های مهم دولت چین برنامه مشعل بود ( 1998 ) که در قالب آن چین حدود 50 منطقه توسعه فناوری ( ) در مناطق و نواحی ایجاد کرد و با کمک بنگاه‌های تجاری بخش خصوصی دانشگاه‌ها به صنعت متصل گردید و معافیت‌های مالیاتی و وام‌های تسهیلاتی برای شرکتهای بزرگ و بنگاه‌های متوسط منظور گردید .

#### 2 - برنامه 863 :

این برنامه شامل اولویت‌های استراتژیک در عرصه اقتصاد بود ، هدایت فناوری اطلاعات ، لیزر، فناوری علوم دریایی و فضایی و بیوتکنولوژی و مواد عالی و فناوری خودرو را شامل گردید و تسهیلات دولتی و دستاوردهای کشورهای صنعتی برای استفاده شرکت‌های بخش خصوصی چین در این مسیر تسهیل گردید .

#### 3 - برنامه صاعقه :

این حرکت ، « توسعه روستایی » چین از طریق پیشرفت علوم و فناوری تولید کشاورزی را از 1985 به بعد همراه با آموزش عمومی روستاییان و همگانی کردن علوم کشاورزی مکانیزه مورد هدف قرار داد و زمین‌های کشاورزی در قطعات کوچکتر به بخش خصوصی واگذار شد.

#### 4 - برنامه ملی اشاعه علوم و تکنولوژی:

این برنامه مبتنی بر حمایت از مراکز و شرکتهای دولتی بود و توسعه علمی و فنی در عرصه‌های تجاری و اقتصادی را دنبال می‌کرد و دستاوردها و تجربیات مدیران آموزش دیده و چینی‌های ماوراء بحار را در اختیار مدیران سنتی شرکتهای دولتی قرار می‌داد ، تا شرکت‌های دولتی کوچکتر شده و به بخش خصوصی سپرده شوند. این برنامه از سال 1980 به بعد دنبال شد و تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی داشت.

5 - برنامه ملي توسعه اولويت هاي تحقيقات بنيادين :

اين برنامه از سال 1997 به بعد استراتژي هاي چند وجهي براي توسعه پژوهش و تحقيقات در علوم پايه را هدف قرار داد و به تشويق مادي و معنوي در حوزه هاي اقتصاد، انرژي و بهداشت و عرصه فناوري هاي نو توجه نمود .

6 - برنامه توليدات جديد ملي :

اين برنامه همپاي با گسترش همكاريهاي چين با جهان خارج ، استانداردهاي جهاني و مالكيته فكري و ثبت اختراعات و فناوري هاي بالا را در رأس برنامه ها قرار داد .

با اجراي اين برنامه ها، در اصل مدل توسعه چين، تركيبي از عقلانيت و نظم عقلايي و سود محور آن سوي آبهاء، همراه با ويژگيهاي بومي و چيني منظورگرديد و در اين مسير، اصلاحات نهادي و قانوني در بخشهاي مختلف دولتي به شكلي وسيع و همه جانبه صورت گرفت.

در يك جمع بندي كلي مي توان گفت كه آنچه امروز چين را به « كارخانه دنيا » تبديل کرده و به توسعه سريع علوم و فناوري و جهاني شدن اين اقتصاد انجاميده است، شناخت همه جانبه و دقيق تحولات اقتصادي دنيا و بهره گيري مناسب و بهنگام از امكانات ملي، منطقه اي و بين المللي است . اين تعامل با همكاري مديریت هوشمند و ساختار يافته حزبي و توانايي هاي مديریتی، ارتباطاتي، سرمايه اي و اطلاعاتي چيني هاي ماوراء بحار حاصل شده است .

پس بايد گفت، توان رقابتي چين امروز متكي بر توانائيهاي بسياري است كه از جمله مي توان بر توسعه هدفمند ملي و توسعه مراكز تحقيق و توسعه، همسان سازي قوانين و مقررات با تحولات عرصه توليد و تجارت، ديپلماسي اقتصادي فعال و استفاده از ظرفيت هاي بخش خصوصي و چيني هاي مقيم خارج و توليد متناسب با نيازهاي مشتري اشاره كرد.

اين الگو توانسته است رشد اقتصادي چين را تضمين نمايد و ازدهاي بيدار را در آستانه « توسعه اقتصادملي » و پذيرش نقش هاي جديد بين المللي قرار دهد. اين الگو و راه چين، ارزش ديده شدن را دارد .

فريدون وردنيژاد

فروردين 1391